

در ۱۹۴۵ حکومت ویشی که اختیار قانونگزاری را هم داشت قانونی وضع نمود دائر بر مجازات مؤسسات عمومی که در اثر همکاری با دشمن متصرف شناخته میشوند. اگرچه موضوعات پیش بینی شده در این قانون محدود میباشد ولی برای نخستین بار تشکیلات مرجع رسیدگی به مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی و تشریفات آن بتفصیل بیان گردیده است. موارد مسئولیت جزائی را که این قانون پیش بینی کرده عبارت است از: سازش و بازرگانی با دشمن و تسلیم اسرار دفاع ملی و اشتراک مساعی با مؤسساتی که هدف آنها تضعیف روحیه قشون و یا افراد ملت میباشد. رسیدگی به مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی با محکمه خاصی است و آئین دادرسی آن با آئین دادرسی سایر جرائم فرق دارد. مجازاتهایی که پیش بینی شده عبارت است از: ضبط تمام یا یک قسمت اموال و ضبط آلت جرم و انتشار اجباری حکم انحلال مؤسسه. در موقع ضبط دارائی شخص حقوقی افرادی که در موقع ارتکاب جرم ریاست شرکت و یا مدیریت آنرا نداشته و با جرم ارتکابی مخالفت ورزیده مستحق مطالبه خسارت هستند و مرجع مطالبه محاکم حقوقی میباشد و اقامه دعوی باید علیه اشخاصی صورت گیرد که اقدامات آنها موجب ضبط اموال شخص حقوقی گردیده است.

غیر از کشور فرانسه در سایر کشورها تحولی که در مورد مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی آغاز شده با نظر مساعد و بطور روزافزون جریان دارد. از بین قوانین جزای این کشورها قانون جزای کوبا از لحاظ مقررات مربوط به مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی، مقام ممتازی را حائز میباشد. قانون مزبور مجازاتهای پیش بینی شده در مورد اشخاص طبیعی را با مجازاتهای اشخاص حقوقی منطبق ساخته و علل تغییر آنرا ذکر کرده است. مثلاً بجای مجازات اعدام انحلال مؤسسه تعیین گردیده است. در هر حکم محکومیت، شخص حقوقی باید به پرداخت جریمه محکوم گردد و میزان آن متناسب با سرمایه و فعالیت شرکت باشد. یکی از کیفیات مشدده پیش بینی شده در مورد اشخاص حقوقی این است که خارج از وظیفه خود باموری اشتغال ورزد که قابل مجازات باشد. تحول مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی با افزایش تدابیر

انضباطی که بیشتر از مجازاتهای اصلی متناسب با جماعات و شرکتهای و مجامع میباشد تسهیل گردیده است .

از لحاظ بین‌المللی برای نهضت افکار جدید اهمیت زیادی قائل گردیده و آنرا مفید دانسته اند اقدامات بین‌المللی زمان معاصر در خصوص تقبیح جنگهای تعرضی و جنایت معرفی نمودن آن پایه مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی بزرگ مانند حکومتها ریخته است از این قبیل است صورت مذاکرات ژنو و پیمان بریان کلوک (۱) و بعضی تصمیمات دیگر مجمع اتفاق ملل .

برای تعیین مجازات نسبت به مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی بزرگ ، کنگره بین‌المللی حقوق جزا که در ۱۹۲۶ در بخارست تشکیل شد اظهار تمایل نمود که علیه اشخاص حقوقی تدابیر دفاعی مؤثر که جنبه اجتماعی داشته باشد (۲) وضع گردد .

موافقت نامه‌ای که در ۱۹۴۵ در لندن راجع به تأسیس محکمه نظامی بین‌المللی در خصوص جنایتکاران بزرگ جنگ با امضاء رسیده اقدام ناچیزی از تمایلات کنگره مزبور میباشد . اگرچه مجازاتهایی که موافقت نامه مزبور اجازه میدهد محدود باشد اشخاص طبیعی یعنی اعضاء مؤسسات ناسینال سوسیالیست از قبیل گشتاپو و اس‌ا‌اس و غیره میباشد ولی چون از دیوان مزبور خواستار شده که تبه کاری این قبیل جماعات و مؤسسات را اعلام دارد ، این اقدام متضمن شناسائی مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی نیز میباشد .

قوانین ایران مسئولیت جزائی اشخاص حقوقی را بطور کلی پیش بینی نکرده است ؛ فقط اصل ۲۲ متمم قانون اساسی انحلال تلویحی انجمن‌هایی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مختل نظم باشند پیش بینی نموده است و قانون مصوب تیر ۱۳۲۸ نیز مجازات انحلال و ضبط اموال را نسبت به جمعیت‌هایی که مرام یا رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران یا مرام و یا رویه آن اشتراکی است مقرر داشته است . ماده واحده :

1 - Briand - Kellog

2 - Des mesures efficaces de défense Sociale

اموال متعلق بهر حزب یا دسته یا جمعیت یا شعبه جمعیتی که بهر نحوی از انحاء مشمول مواد ۲۱ و ۲ و ۳ و ۵ قانون مصوب خردادماه ۱۳۱۰ بوده و از طرف دولت با استناد اصل ۲۱ متمم قانون اساسی منحل شده یا میشود ضبط میگردد و قیمت حاصل از فروش یا خود اموال بمصرف تعلیمات ابتدائی مجانی خواهد رسید .

تقسیمات دفتر دوم - دفتر دوم مشتمل بر سه بخش خواهد بود .

در بخش اول از تأثیر کیفیات فیزیکی و مخصوصاً تأثیر جنس و سن در مسئولیت جزائی بحث خواهد شد .

بخش دوم مربوط به کیفیات معنوی و حالات علم الامراضی است که قوای هوشی را خراب میکند. طبق قوانین موضوعه دو قسم کیفیات مسئولیت جزائی را از بین میبرد: یکی علل تبرئه و دیگر علل عدم مسئولیت اخلاقی. علل تبرئه مستند بامور خارجی و علل عدم مسئولیت اخلاقی مربوطه به شخص مرتکب میباشد و نتیجه هر يك از این علل این است که مسئولیت جزائی از شخص مرتکب مرتفع میگردد .

در بخش سوم، از شرکت اشخاص در ارتکاب جرم بحث میشود. مقنن شرکت در ارتکاب جرم را مؤثر در درجه مسئولیت دانسته است. سازش اشخاص در عمل ارتكابی موجب میشود که آنانرا بیشتر خطرناك جلوه دهد و مسئولیت آنان شدیدتر گردد زیرا گاهی هر يك از آنها مجبورند آثار اعمالی را که سایرین مرتکب شده اند متحمل شوند.

تمایل جدید علمای حقوق جنائی در تطبیق مجازات با فرد مجرمین -

امروز معتقد شده اند که شخصیت مجرم باید مز کز مطالعات جزائی واقع شود. بزرگترین انتقاد مکتب تحقیقی به مکتب نئو کلاسیک و رویه قضائی محاکم این است که بیشتر وقت و مساعی خود را مبذول جرم ارتكابی میکنند و مطالعه شخصیت مجرم را در درجه دوم اهمیت قرار میدهند در صورتیکه اهمیت عمل ارتكابی فقط از این جهت است که شخص خطرناکی را بجامعه معرفی مینماید. قضاة بجای اینکه از روی جرم به عمق شخصیت مجرم نفوذ پیدا نمایند تمام هم خود را معطوف عمل ارتكابی و تطبیق آن با ماده مینمایند. در نظر آنان مجرم يك ذاتی است که بایک تصمیم قضائی خالی از

هر گونه تصرف و تعد بر شماره ماده ای را که نقض کرده بر روی او نصب میشود تا بعداً شماره حجره محبس که در آن باید توقیف شود جایگزین آن گردد .

مکتب‌های جدید برای مبارزه با این متد مجرد و بیجان و همچنین جلوگیری از مبالغه در نظریه درونی پیشنهاد کرده‌اند که رویه انطباق مجازات با فرد فرد مجرمین اتخاذ شود . سالیس که خود را مدافع این عقیده معرفی کرده کتابی بنام « تطبیق مجازات با فرد فرد مجرمین (۱) » برشته تحریر در آورده است .

طرق مختلفه تطبیق مجازات با فرد فرد مجرمین - تطبیق مجازات با فرد فرد مجرمین باید با مشارکت قوه مقننه و قوه قضائیه و مخصوصاً اداره محابس بعمل آید .

اقداماتی که قوه مقننه تا بحال بعمل آورده عبارت است از تصویب مواد مربوط به تکرار جرم که طبق آن مجرمین اعتیادی و حرفه‌ای را در معرض مجازات شدید قرار داده است و قانون تعلیق که برای مجرمین بدوی تا اندازه ای قائل با رفاق شده است .

قوه قضائیه با استفاده از اختیارات موسمی که در اعمال کیفیات مخففه دارد میتواند شخصیت مجرم را در نظر گیرد و از شدت مجازات‌ها به میزان قابل توجهی بکاهد . اداره محابس و مخصوصاً قوه مجریه میتواند نوع و درجه مجازات و مدت آنها را در حدودیکه قانون پیش بینی کرده است تغییر دهند . حق عفو پادشاه را میتوان یکی از موارد اقدامات قوه مجریه برای تطبیق مجازات با فرد فرد مجرمین دانست . در قرآنین ممالک خارجه علاوه بر حق عفو رئیس مملکت ، مقرراتی راجع با آزادی مشروط و سیستم احکام نامعین (۲) وجود دارد که تا حدی مدت حبس را تابع نظر اداره محابس قرار داده است . این قبیل مقررات را بعداً به تفصیل خواهیم دید .

عقاید و افکاریکه در خصوص تطبیق مجازات با فرد فرد مجرمین تراوش یافته در مورد صفار نیز به موقع اجرا گذارده شده است .

۱ - L' individualisation de la peine

۲ - Sentences indéterminées

بخش اول

تأثیر جنس و سن در مسئولیت جزائی

عوامل فیزیکی موجود در زن و مرد کهن سال و صغار مؤثر در مسئولیت جزائی آنان میباشد .

گفتار اول

تأثیر جنسیت زن در مسئولیت جزائی او در حقوق اروپائی

در عصر حاضر همه علماء اتفاق نظر دارند که جنسیت زن موجب عدم مسئولیت کامل جزائی او نخواهد شد ولی بعضی مدعی شده اند که زن در مقابل اغوائت زبون و مقاومت او کمتر از مرد است و بهمین جهت باید در مجازات جرم ارتكابی او تخفیف قائل شد.

دلایل اقامه شده راجع به مادونی زن نسبت به مرد از طرف آمارتأیید نگردیده است. جرائم ارتكابی زنان نسبت به مجموع جرائمی که در يك جامعه اتفاق می افتند میزان ناچیزی را حائز می باشد و تا وضع استثنائی مولود از جنگ حادث نگردد جرائم ارتكابی آنان قابل ملاحظه و زیاد نخواهد شد.

تناسب زنان محکوم بارتكاب جرم در بین مجموع تبه کاران در ۱۹۱۳ چهارده درصد بود. این میزان در مدت جنگ جهانی اول افزایش یافت و در ۱۹۱۹ به بیست و نه درصد رسید. میزان کم جرائم ارتكابی زنها در زمان معمولی از جهت این بوده که زنهادر کشاکش زندگی اجتماعی و صنعتی و تجاری مداخله نداشته و موارد ارتكاب جرم کمتر برای آنان رخ میداده است. شدت افزایش جرم از طرف آنان تنها معلول بی نظمی خانواده ها و بودن مردان در میدان جنگ نبود بلکه کیفیت جدید زندگی که بر آنان تحمیل میشد آنان را دستخوش اغوائت نفس اماره قرار میداد و بهمین جهت اعاده وضع زندگی سابق موجب شد که متدرجاً وضع اول عودت کند.

تناسب زنهای محکوم بارتكاب جرم در ازمنه بعد از جنگ اول جهانی بشرح زیر می باشد:

در ۱۹۲۱ بیست و سه درصد و در ۱۹۲۲ بیست و یک درصد و در ۱۹۲۳ هیجده

درصد و در ۱۹۲۸ هفده درصد و در ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ پانزده درصد و در ۱۹۳۱ و ۱۹۳۳ چهارده درصد که همان میزان قبل از جنگ جهانی است میباشد.

صفت ممیزه جرائم ارتكابی زنان بیشتر آمیخته بامکر و شیطننت میباشد و چون اخیراً مشاهده نموده اند که جرائم سرقت و کلاهبرداری و خیانت در امانت در ممالک مترقی افزایش یافته است، اظهار داشته اند که جرائم ارتكابی نیز به نسبتی که ممالک متقدم میشوند نسوی میگردد.

جرائم ارتكابی زنان بیشتر از لحاظ موضوع و داعی اختصاص بآنان دارد مانند جرائم سقط جنین و بچه کشی و سرقت در مغازه های بزرگ.

خصوصیات رژیم جزائی که در ممالک خارجه نسبت به زنان معمول میدارند - در حقوق موضوعه فرانسه رژیم جزائی نسوان دارای خصوصیات زیر می باشد :

خانه های تربیتی متعددی برای تربیت حرفه ای و اخلاقی و مذهبی دختران جوان وجود دارد. در مراکز استانها محاسبی یافت میشود که محکومین بحبس های کوتاه در آنجا بازداشت میگرددند. در این محابس زنان از مردان جدا هستند. بچه های مادران محکوم، تا سن چهار سالگی بنخود آنها سپرده می شود.

ترانسپورتاسیون (۱) که یکی از طرق اجرای حبس با اعمال شاقه است برای مردان اجباری و برای زنان اختیاری است. مجازات تکمیلی رولگاسیون که باید بطور دائم در مستعمره انجام پذیرد در مورد زنان لغو گردیده و مجازات ممنوعیت از اقامت برای مدت بیست سال جای گزین آن گردیده است. زن حامله اگر محکوم باعدم گردد اجراء مجازات تا وضع حمل او باید بتأخیر افتد ولی این مقررده قانونی بیفایده است زیرا مطابق سنت باستانی مجازات اعدام بر زنان تحمیل نمیکردد.

مقررات فوق الذکر در مورد زنان، زائیده زبونی و نقصان هوش و بالنتیج کمی مسئولیت اخلاقی آنان نمیباشد و بهمین جهت در غالب ممالک از قبیل انگلیس

آلمان و دانمارك زنها جزو پليس قضائى هستند و براى حمايت دختران جوان و تحقيقات از خردسالان، شركت آنان فوق العاده سودمند ميباشد. اخيرا در فرانسه بطبقه نسوان باطر تفخيم و تعظيم نگريسته و آنان را براى عضويت در هيئت منصفه و سمت معاونت قاضى صالح دانسته اند و بالاخره قانون ۱۹۴۶ شايستگى مطلق آنان را براى شغل نساء شناخته است.

گفتار دوم

اثر کهن سالی و فرتوتی در مسئولیت جزائی در حقوق اروپائی

جرائم ارتكابی پیرمردان مانند نسوان قسمت ناچیزی از مجموع جرائمی که در جامعه اتفاق میافتد تشکیل میدهد. اقدامات جنائی که بر ضد اشخاص رخ میدهد مربوط بایام جوانی و سن و عقل و بختگی میباشد و ارتكاب جرم در دوران دوم زندگی کمتر میباشد و جرائمی که در این سن اتفاق میافتد بیشتر جرائم سرقت و کلاهبرداری و خیانت در امانت و اعمال منافی عفت میباشد.

کهن سالی غیر از مورد اختلال مشاعر ناشی از آن، مانند انانیت، هیچگاه علت عدم مسئولیت جزائی و یا نقصان آن نمیشود.

در اجرای بعضی مجازاتها نسبت به کهن سالان مقنن فرانسه تغییراتی داده است زیرا اجرای رژیم معمولی در مورد آنان ممکن است مهلك گردد. مطابق ماده ۵ قانون ۱۸۴۸ هر گاه شخص فرتوتی در موقع صدور حکم محکومیت باعمال شافه شصت سال داشته باشد باید حبس خود را در فرانسه تحمل نماید.

در مورد حبس رولگاسی (۱) که حبس تکمیلی میباشد در صورتیکه منتهم پس از تحمل مجازات اصلی به سن شصت سال برسد ممنوعیت از اقامت، جایگزین آن می گردد.

گفتار سوم

صفر من در مسئولیت جزائی در حقوق اروپائی و امریکائی

جنبه اجتماعی جرائم ارتكابی جوانان - در جرائم ارتكابی جوانان مسئولیت جامعه سنگین تر از جرائم ارتكابی اشخاص بالغ و رشید میباشد. در این مبحث سه مسئله باید مطرح نظر واقع شود:

اول نقش بسیار مهم تدابیر احتیاطی.

دوم فزونی قوانین مربوط به تدابیر کیفری برای کودکان.

سوم چگونگی راه حلی که قوانین موضوعه در مورد صغیر مقصر اندیشیده است

ترقی جرائم ارتكابی جوانان در سده نوزدهم - بسط جرائم ارتكابی جوانان از اموری است که افکار عامه را اندیشناك ساخته است. قبل از جنگ در فرانسه جوانان ۱۶ تا ۲۱ سال مخصوصاً از ۱۸ تا ۲۱ سال سهم شایانی را در مجموع جرائم ارتكابی داشته اند. آمار ۱۹۱۰ نشان میدهد که در ده هزار صغیر بسن ۱۸ الی ۲۱ سال سیصد و یک نفر در محکمه جنحه قابل تعقیب بوده اند در صورتیکه نزد اشخاص کبیر تعداد اشخاص متهم به نسبت بالاسه برابر کمتر بوده است. از ۱۸۲۶ تا ۱۸۸۰ تعداد جرائم عمومی بطور متوسط سه برابر افزایش یافت در صورتیکه جرائم ارتكابی صغار بیش از چهار برابر افزون گردید. از ۱۸۸۰ تا ۱۹۱۰ این افزونی دامنه داشت. از ۱۹۰۰ الی ۱۹۰۵ افزایش جرائم ارتكابی برای مدتی متوقف گردید و علت آن این بود که جنحه های غیر مهمه مربوط به صغار را مورد توجه قرار نمیدادند.

در سایر ممالک اروپائی وضع صغار از لحاظ ارتكاب جرم بهمین منوال بود. در آلمان و ایتالیا و اتریش در سالهای قبل از جنگ جرائم ارتكابی صغار کم بود و بی در موقع جنگ رو با افزایش گذارد.

تأثیر کیفیات مولود از جنگ. کیفیات مولود از جنگ از قبیل دوری پدران

از مسکن و خانه و سستی رابطه خانوادگی، بدون شك موجب افزایش جرائم ارتكابی
 كودكان و جوانان در فرانسه گردیده است. برعكس چند سال بعد از جنگ بین سالهای
 ۱۹۲۱ و ۱۹۲۴ بهبودی قابل ملاحظه ای آشكار گردید و علت آن مربوط با افزایش
 اجرت کارهای دستی است که در نتیجه آن ولگردان و تبه کاران بکار اشتغال ورزیدند
 و بدین ترتیب جرائم ارتكابی از طرف صغار ۲۱ ساله نسبت به مجموع جرائم رو به تقلیل
 گذارد. جرائم ارتكابی در ۱۹۱۳ هفده در صد و در ۱۹۱۹ بیجده در صد و در ۱۹۲۳
 سیزده در صد و در ۱۹۲۸ دوازده در صد و در ۱۹۳۱ ده در صد و در ۱۹۳۴ هشت در صد
 تغییر و کاهش یافت. گزارش مورخ ۱۹۳۸ و زبرداد گستری در طول مدت ۱۹۳۱-۱۹۳۵
 تنزل فاحش حد وسط کلیه جرائم را معرزمیدارد و این بهبودی مستند به قانون جدید
 راجع به تأسیس محکمه اختصاصی كودكان و آزادی توأم با مواظبت میباشد.
 اثر بحران اقتصادی - معالاف اشکالات اقتصادی و اجتماعی زمان معاصر
 مخصوصاً توسعه اعتصاب در این قضیه انعكاس داشته و یکی از خطرات غیر قابل احتراز
 بشمار می آید و در نتیجه آن سوء رفتار والدین نسبت با اولاد و جرائم ارتكابی صغر
 مجدداً رو با افزایش گذارده است.

اهمیت نسبی عامل ارثی و عامل اجتماعی - و ساءل احتیاطی در مبارزه
 بر ضد جرائم ارتكابی جوانان اهمیت خاصه ای را حائز میباشد شخص کبیر که بعد
 کمال قوای جسمانی خود رسیده باشد بمیزان محدودی تحت تأثیر محیط اجتماعی
 واقع میگردد ولی كودك که طبع او نرم و قابل انعطاف است کاملاً در اختیار آن
 قرار میگردد.

بدون شك عامل ارثی در اندیشه و روحیات و اخلاق اشخاص اثر میبخشد. اطباء
 امراض دماغی با نظر شفقت خاصی به كودكان تبه کار نگریسته و معتقدند که هفتاد و پنج
 درصد آنها با امراض ارثی از قبیل ضعف شدید و ملاست و پیچیدگی در استخوان و سل
 مبتلا هستند و چون این عیوب در سالهای اول ظاهر نمیشود با اصلاح محیط خانوادگی
 و اجتماعی میتوان بسهولت آثار آنرا مرتفع نمود. بدبختانه کیفیات حاصله از جنگ
 دوم جهانی مانع اقدامات اصلاحی گردید؛ فقدان قدرت پدر و ترك تحصیل جوانان در
 اثر بمباران و شیوع فحشاء و بی عصمتی بواسطه سپاهیان خارجی و عدم تعادل حیاتی

شی از نقصان در تغذیه و مشاهده عوائد سرشار اشخاص از راه معاملات در بازار سیاه عواملی بودند که بهبود جامعه را دشوار میساختند.

وسائل احتیاطی - از بین بردن کلبه‌های خرابه‌یکی از وسائل مبارزه برضد جرائم ارتكابی جوانان میباشد. مساکنی که فاقد هوا هستند و در آن اختلاط و آمیزش نامناسب و مضر اشخاص بایکدیگر وجود دارد كودك از حیث قوای فیزیکی ضعیف و از حیث اخلاق فاسد میگردد. ابتکارات اشخاص خصوصاً و قانون تهیه منازل ارزان قیمت باید این بلای خانمان سوز را سپری کند.

تشکیلات منظم و منسق کار صنعتی یکی دیگر از وسائل مبارزه میباشد. تعیین تکلیف زن حامله قبل و بعد از وضع حمل و حفظ وحدت خانوادگی باید در نظر گرفته شود.

مقرراتی که از طرف مدرسه بکودك الزام میشود بهترین وسیله جلوگیری از ولگردی میباشد. باید اعلانات رکیک و مستهجن در کوچه‌ها منع شود و مرتکبین آن مجازات شوند. نمایشات و تصویرات سینمایی که قوه الهام دهنده آن غیر قابل تردید است و غالباً آثار آن شوم میباشد باید تحت مراقبت و مواظبت قرار گیرد. افشاء روزانه هنرهای رزمی و پیروزی تبه‌کاران در جرائم یکی از عوامل مؤثر و فساد و تباهی صغار می‌آید.

مبارزه با الکلیسم یکی از تدابیر مؤثر برای جلوگیری از جنایات ارتكابی جوانان میباشد. بالاخره یکی از وسائل بسیار نافذ در مبارزه با فساد صغار نظارت دقیق قوه اجتماعی بر خانواده‌ها است زیرا محیط خانواده سترک‌ترین کانون تربیت كودك بشمار می‌آید.

در سوئیس و آلمان مقامات عمومی عهده‌دار مراقبت محیط خانواده هستند. در آلمان محکمه اختصاصی قیومت و در سوئیس مقامات اداری و قضائی تعیین قیوم میکنند و تکالیف تربیتی و تهنیتی قیوم و یا والدین را زیر نظر میگیرند.

در فرانسه تشکیلات مربوط به ولایت پدر و قیومیت جنبه خصوصی دارد ولی خیراً اظهار تمایل شدید شده که مقامات قضائی عهده‌دار تربیت خانوادگی كودكان گردند. **حمایت جزائی كودكان** - نسبت به والدینی که سلامت و یا اخلاق كودكان خود

را به مخاطره میاندازند قوانین جدیدی وضع گردیده است .

در اولین مرحله باید قانون ۱۸۸۹ را در خصوص سقوط ولایت قانونی ذکر کرد. طبق این قانون موارد سقوط ولایت قانونی گاهی اجباری و گاهی اختیاری است. سقوط ولایت در خصوص پدرانی که مرتکب جرائم سنگین مخصوصاً جرائم مربوط به شخص کودک میشوند اجباری است؛ برعکس در صورتیکه جرائم ارتکابیه خیلی مهم نباشد اختیاری خواهد بود. سقوط ولایت قانون از طرف محکمه حقوق و محکمه جزا بعنوان مجازات تبعی حکم داده میشود .

در مرحله دوم قانون ۱۸۹۸ راجع به مجازات رفتار خشونت آمیز و اعمال بیرحمانه پدران نسبت به کودکان میباشد. قانون مزبور بواسطه تهبیح افکار عمومی از جهت فوت کودکی بنام گرگوار (۱) بتصویب رسید. کودک مزبور در اثر درنج و زجر زیادی که از طرف والدین نالایق او نسبت به او اعمال شد در مریضخانه جان سپرد. مجازات والدین مرتکب جرح و ضرب نسبت به فرزندان خود تشدید گردید و همچنین برای والدینی که از مواظبت نسبت به فرزندان خود دریغ مینمودند کیفر معین شد .

بالاخره قوانین دیگری در تاریخ های ۱۹۲۱ و ۱۹۲۵ و ۱۹۲۷ و ۱۹۳۵ بتصویب رسید که مضار قانون ۱۸۸۹ را در خصوص سقوط ولایت قانونی مرتفع ساخت. قانون ۱۸۸۹ در خصوص سقوط ولایت قانونی خیلی شدید بود زیرا وقتیکه حکم سقوط صادر میشد تمام حقوق والدین حتی نسبت بسایر فرزندان آنها ساقط میگردد، برعکس قانون ۱۲۹۱ به محکمه اجازه میدهد که فقط يك قسمت از حقوق والدین را نسبت به فرزندان سلب کند مثلاً والدین تنها از حق نگاهداری منع شوند بعلاوه محکمه ممکن است فقط نسبت بیکي از فرزندان حکم سقوط ولایت را صادر کند و نسبت بسایر فرزندان آنرا ابقاء نماید .

با افزایش یافتن موارد سقوط ولایت قانونی مقنن ناگزیر شده است ب فکر تأمین سرنوشت کودکانی که از طریق والدین آنها ترك میشوند بیفتند و باین منظور قوانین متعددی راجع بمؤسسات خیرات عمومی بتصویب رسید که مهمترین آن قانون استروس (۲) میباشد .

بعضی از قوانین فوق الذکر مخصوصاً قانون ۱۸۹۸ و قانون ۱۹۰۴ هم جنبه کیفری و هم جنبه احتیاطی دارند؛ هدف اصلی آنها حمایت کودک میباشد ولی مقنن گذر شده ضمن آن تدابیر کیفری هم اتخاذ کند و بدین ترتیب دو فکر حمایت و کیفر با یکدیگر مخلوط شده است زیرا کودک گناهکار بیشتر اوقات برگشته بخت هم میباشد.

تحول تقنینی رژیم جزائی کودکان و جوانان - لزوم يك رژیم مخصوص برای کودکان و صغار مجرم همیشه احساس میشده است در عهد قدیم يك فرض مطلق عدم مسئولیت جزائی برای کودکان کمتر از هفت سال قائل بودند ولی شورش فرانسه فرض مزبور را لغو کرد و مسئله تمیز کودک را جایگزین آن نمود.

در خصوص رژیم صغیر مقصود سیستم قانونی متدرجاً در فرانسه بموقع اجراء گذارده شده است:

۱ - سیستم حقوق جزای ۱۸۱۰.

۲ - اصلاحاتی که در قرن ۱۹ و ابتدای قرن بیستم در خصوص بسط تشکیلات مربوط بتدابیر تربیتی بعمل آمده است.

۳ - اصلاحات حاصله از قانون ۱۹۱۲ و مقررات جزائی ۱۹۴۵ راجع به تأسیس محکمه اختصاصی صغار و رژیم آزادی توأم با مراقبت.

تأسیس محکمه اختصاصی صغار - مهمترین انگیزه رژیم جزائی مربوط بکودکان دو چیز است: یکی تأسیس محکمه اختصاصی صغار و دیگر اعطاء آزادی توأم با مراقبت. مقررات جزائی ۱۹۴۵ که از افکار مربوط به تطبیق مجازات با فرد مجرمین الهام گرفته هر دو موضوع را پیش بینی کرده است. مسئولیت کودک نباید با مسئولیت اشخاص کبیر بیک نهج قضاوت شود. پس از احراز مسئولیت کودک آثار حاصله از آن نیز باید با آثار حاصله از مسئولیت اشخاص کبیر متفاوت باشد.

تأسیس محکمه اختصاصی برای صغار در ممالک اروپائی پس از تأسیس آن در اتا زونی صورت انجام پذیرفت.

سیستم محکمه اختصاصی صغار در اتا زونی مبتنی بر تخصص قاضی و احداست. به عینت قاضی محکمه اختصاصی صغار، صاحب منصبانی با اسم صاحب منصبانی آزمایشی (۱) بانمایند

محکمه همکاری میکنند و وظیفه این نمایندگان عبارت است از تهیه مقدمات رسیدگی تا قاضی قادر شود تصمیم اتخاذ کند. همینکه صغیر دستگیر شد، نماینده اقدام به تحقیقاز مینماید و کلیه اطلاعات مربوط به صغیر و سوابق او و خانواده اش را بدست میآورد. در موقع رسیدگی قاضی، نماینده دادستان و یار وکیل مدافع حضور ندارند و محاکمه غیر حضوری است. تحقیقات نماینده یگانها در این اطلاعات قاضی بشمار میآید. قاضی میتواند صغیر را یکی از مجازاتهای مجروح کننده از آزادی محکوم نماید ولی توسط باین اقدام شدید در موارد استثنائی و خیلی ضروری صورت میگیرد و بیشتر اوقات تدابیر تربیتی اتخاذ میکند و میتواند صغیر را بخانواده او و یا يك شخص خیر و یا مؤسسه ای بسپارد. چنانچه ضرور گردد میتواند دستور بازداشت او را در یکی از مدارس مربوط باشناخت غیر عادی بدهد. با وجود این اقدامات، صغیر پیوسته تحت نظارت و مواظبت نماینده قرار دارد و در واقع از این پس نماینده محکمه، قیم اخلاقی کودک مقصر شناخته میشود و سكلف است او را ملاقات کند و بند و اندر زهای لازم را بدهد و گاه بگناه از نتیجه ماموریت خود قاضی را آگاه سازد. قاضی محکمه پس از اتخاذ تصمیم همواره در امور صغیر مداخله دارد و چنانچه رفتار او ناپسند باشد میتواند روی گزارش نماینده تصمیم سخت تری گیرد و دستور بازداشت صغیر را بدهد. دلیل بارز آثار نيك و حیات بخش محکمه اختصاصی صغار تقلید سایر کشورها از اتازونی است. امروز در اسپانی و انگلیس و آلمان و دانمارك و بلژيك و ایتالیا و ژاپن محکمه اختصاصی صغار وجود دارد.

در فرانسه در اثر پیشنهاد فردیناند دریفوس (۱) و برانژ (۲) به مجلس سنا قانون ۱۹۲۲ بتصویب رسید و در ۱۹۴۵ قانون دیگری که ناشی از طرح کمیسیون وزارت دادگستری به ریاست مادام کامپینچی (۳) بود بتصویب رسید و نقائص قانون ۱۹۱۲ را مرتفع ساخت و تغییرات زیادی در آن داد. قانون اخیر درجات متوالی مسئولیت جزائی قانون ۱۹۱۲ را با جزئی تغییر ابقاء کرد.

صغار سیزده ساله از امتیاز فرض مطلق عدم مسئولیت جزائی بهره مند میگردد.

1 - Ferdinand dreyfus.

2 - Béranger.

3 - Campinchi

و صغار سیزده تا ۱۶ سال از معافیت‌های منخففه استفاده میکنند و صغار سیزده تا ۱۸ سال از فرض قانونی عدم مسئولیت جزائی متمتع میگردند ولی برخلاف فرض عدم مسئولیت جزائی صغار سیزده ساله که مطلق و غیر قابل خدشه است، فرض عدم مسئولیت جزائی صغار از ۱۳ تا ۱۸ سال ممکن است با اقامه ادله مثبتة بلا اثر گشته و بالنتیجه مسئولیت صغیر مجرّم گردد.

رژیم صلاحیت و آئین دادرسی کیفری برای تمام صغار فوق الذکر مساوی است و نهاد در مورد صغار ۱۶ الی ۱۸ سال که مرتکب جنایت میشوند محکمه طبق قواعد خاصه تشکیل میشود و قاضی میتواند نسبت باین دسته از صغار مجازاتهای مربوط بشخص کبیر را معین کند.

بنا بر این بالا مشاهده میشود که رژیم صغار مجرّم با سن آنان تغییر مییابد و رای تعیین سن صغیر باید تاریخ وقوع جرم را در نظر گرفت نه تاریخ احضار او را زیرا طبق اصول کلی برای تشخیص عناصر تشکیل دهنده جرم زمان ارتکاب جرم باید مورد نظر قرار گیرد.

برای تبیین مسئولیت جزائی صغیر بهترین رویه منطقی آن است که مراحل مختلفه دعوی جزائی را مورد بحث قرار داد. بنا بر این، توضیحات ما در مورد صغار مجرّم بشرح زیر تقسیم میشود:

۱ - مرحله تحقیقات مقدماتی.

۲ - مرحله تحقیقات قطعی.

۳ - مرحله اتخاذ تصمیم و موضوع و آثار آن.

مرحله تحقیقات مقدماتی

جنبه اجباری بازپرسی - در مورد جنحه و جنایات قانون ۱۹۲۲ اصل بازپرسی اجباری را تأیید و تثبیت کرده است. از نظر منطق احضار صغیر متهم بارتکاب جرم در قاضی جزائی و قبول فرض مطلق عدم مسئولیت جزائی صغار سیزده ساله و فرض عدم مسئولیت جزائی صغار از سیزده سال الی ۱۸ سال قابل وفق نیست ولی باید توجه داشت که رعایت تناسب و توافق در مبانی قضائی در قبال نفع اجتماعی بکامر فرعی است

و چون هویدا ساختن شخصیت حقیقی مجرم از اهم مسائل جزائی است بهتر است برای نیل باین منظور تمام طرق متصوره اگر چه مباین منطق و مبانی قضائی باشد پیمووده شود این استدلال بهمان اندازه که وسائل تحقیق و تفحص از شخصیت صغیر و خسانواده او از راه تجسس اجتماعى و آزمایشهای طبی و روان شناسی تکمیل میشود بیشتر قابل قبول است .

ابتکار مقررات قانونی ۱۹۴۵ راجع به تعیین قاضی صغار - سیستم بازپرسی اجباری با اینکه بیک صاحب منصب متخصص دادسرا محول شده است غالباً اجرا نمیشود در غالب کشورهای اروپائی هم تحقیقات مقدماتی و هم تحقیقات قطعی از طرف محکمه بعمل میآید . قانون ۱۹۱۲ بلژیک مقرر میدارد که بازپرسی انجام نمیشود مگر در مواردیکه کیفیات استثنائی و یا ضرورت مطلق آنرا ایجاب کند . در فرانسه مقررات قانونی ۱۹۴۵ برای احراز از بطوء جریان بیحاصل قائل به استثناء شده است .

مقررات قانونی ۱۹۴۵ در جرم جنحه بدادستان اجازه داده است که بجای ارجاع امر به بازپرس به قاضی واحد که مجرب و آزموده است مراجعه کند قاضی مزبور اگر اتهام را مبتنی بر اساس نداند آنرا با تعقیب میگذارد و برعکس چنانچه اتهام صحت داشته باشد میتواند صغیر را توبیخ و سرزنش کند و یا او را بوالدین او و یا شخصی که قابل اعتماد است بسپارد و در صورت اقتضا میتواند تا سن ۲۱ سالگی او را از آزادی توأم بانظارت بهره مند سازد .

اختیارات قاضی واحد در این حدود پایان میپذیرد و چنانچه تشخیص دهد که اتخاذ تدابیر تربیتی سخت تر و یا تحمیل مجازات ضرورت دارد دستور ارجاع امر را نزد بازپرس محکمه اختصاصی صغار صادر میکند .

از تشریحات تالابخوبی معلوم میگردد که بطور کلی تحقیقات مربوط بجرم ارتكابی صغیر دو مرحله دارد : مرحله مقدماتی و مرحله قطعی ولی استثناء ممکن است دارای يك مرحله بیش نباشد و آن وقتی است که تفصیر کودک خیلی ساده باشد در اینصورت قاضی واحد با سرعت اقدام کرده و بطور قطعی یکی از تدابیر تربیتی که در صلاحیت او است اتخاذ میکند رسیدگی به تفصیر صغیر ممکن است استثناءً بجای دو

مرحله واجد سه مرحله باشد و آن در موقعی است که اهمیت و یا اعتضال و پیچیدگی امر را دادسرا متوجه نباشد در چنین مورد صغیر نزد بازپرس فرستاده میشود تا بازپرس پس از بازپرسی قضیه را به محکمه ارجاع کند.

اینک لازم است اقدامات بازپرس و خصوصیات تحقیقات قاضی واحد صغار و بالاخره نگاهداری صغیر را در زمان بازپرسی و یا تحقیقات مورد مطالعه قرار دهیم. طرز تعیین بازپرس - از مقررات قانونی ۱۹۴۵ چنین مستفاد میگردد که صاحب منصب متخصص در امر صغار باید عهده دار بازپرسی گردد. ماده قید شده در مقررات قانونی مزبور بنحویر طرز انتخاب آنرا تعیین کرده است: «یک یا چند بازپرس از طرف رئیس دادگاه استان به پیشنهاد دادستان آن و یک یا چند بازپرس از طرف رئیس دادگاه شهرستان به پیشنهاد دادستان آن انتخاب میشوند این بازپرسان بطور اختصاصی مأمور رسیدگی بامور مربوط بصغار میباشند».

صلاحیت بازپرس همان صلاحیت محکمه اختصاصی صغار میباشد و ماده ۳ مقررات قانونی ۱۹۴۵ در باب صلاحیت محکمه اختصاصی صغار مقرر میدارد که محکمه محل وقوع جرم و محکمه محل اقامت صغیر و یا والدین و یا قیم او و بالاخره محکمه محلی که صغیر در آنجا تحت مراقبت میباشد برای رسیدگی بامور صغیر صالح میباشد و قاعده سبق صلاحیت انحصاری یکی از این محاکم و معلوم میکند و از دیگر محاکم سلب صلاحیت مینماید.

اقدامات بازپرس - حقوق عمومی تشریفات استنطاق و طرق مختلفه تحقیقات را که در اختیار بازپرس گذارده شده همین کرده است. مقررات استثنائی که در مورد صغار مرعی میگردد بشرح زیر میباشد:

۱ - در مورد صغیر معاضدت یک و کیل مشاور اجباری است بازپرس به کمیته دفاع از حقوق صغار احضار شده بداد گستری (۱) اطلاع میدهد که استنطاق از صغیری ضرورت پیدا کرده است. اگر مؤسسه مزبور و یا خود صغیر و کیل همین نکرد رئیس کانون و کلاه و یا خود بازپرس مبادرت به انتخاب مدافع خواهد نمود.

۲ - وقوف از حالات شخصی صغیر از قبیل سوابق ارثی و محیطی که در آن نشو و نما کرده و تربیت یافته برای بازپرس اهمیت فوق العاده دارد . چون اقدامات پیش برای کسب چنین اطلاعات دقیقی مناسب نخواهد بود قانون بازپرس را مجاز ساخته که این قبیل تحقیقات را به شخصی باسم مخبر محول کند مخبرین باید از صورتی که در ابتدای سال قضائی از طرف دادگستری تنظیم میشود انتخاب گردند و بهتر خواهد بود که منتخبین مزبور از بین قضاة و وکلاء و اعضاء کمیته فوق الذکر برگزیده شوند مخبری که از طرف بازپرس انتخاب میشود باید به والدین صغیر مراجعه کند و نیکوترین راه را برای احیاء اخلاقی صغیر عصیان کار در نظر بگیرد این اقدامات در مورد کذب صغار بهر سنی که باشند لازم الرعایه است .

۳ - چون از بین صغار مجرم تعداد زیادی مبتلا به خنازیر و کم خونی هستند یا از جهت قوای فکری و روحی غیر معمولی محسوب میشوند ، پس از ختم تحقیقات مخبرین میتوانند تقاضای معاینه طبی آنرا کنند . ممکن است معرفت کامل بحال صغیر نیاز به آزمایش ممتد داشته باشد برای این منظور مقررات جزائی ۱۹۴۵ اجازه داده صغیر را به یکی از مؤسسات ممرگز پذیرش (۱) و ممرگز مطالعه (۲) اعزام دارند پایان بازپرسی - پس از ختم بازپرسی هر گاه صغیر گناهکار نباشد بازپرس قرار منع تعقیب او را صادر میکند و الا قرار ارجاع امر را به محکمه جنحه در صورت جنحه بودن اتهام صغیر و به هیئت اتهامیه در صورت جنایت بودن آن ، صادر میکند . مرجع پژوهش از قرار بازپرس هیئت اتهامیه میباشد .

اگر صغیر در ارتکاب جرم معاونین کبیر و حاضر داشته باشد بازپرس قرار تجزیه صادر میکند تا به جرم صغیر در محکمه اختصاصی صغار و بجرم معاونین کبیر طبق حقوق عمومی در محکمه صلاحیتدار رسیدگی شود .

رسیدگی قاضی واحد صغار - قاضی واحد صغار را مقررات جزائی ۱۹۴۵ پیش بینی کرده است . وزیر دادگستری او را از بین قضاة محکمه انتخابات میکند و مدت

1- Centre d'accueil .

2 - Centre d'observation .

ماموریت او سه سال است. و قتیکه عمل ارتكابی صغیر جنحه و یا جرم کم اهمیتی باشد دادستان بقاضی صفار مراجعه میکند. نفع اجتماعی و بالاتر از آن نفع صغیر صلاحیت خاصه قاضی واحد صفار را ایجاب میکند ولی شکفت آورد این است که مقررات جزائی ۱۹۴۵ به معنی علیه اختیار داده بامراجعه به باز پرس و یا قاضی واحد صفار، بعنوان مدعی خصوصی، از یکی از ایندو در امور صغیر گناهکار سلب مداخله کند زیرا اگر معنی علیه بداء به باز پرس مراجعه نمود این خود موجب خواهد شد که از قاضی واحد صفار با نام اهمیتی که برای او قائل شده اند سلب مداخله شود.

کسب اطلاع از اشخاص از طرف قاضی صفار مخفی است و میتواند اظهارات صغیر و والدین و محافظان و یا هر شخصی را که استطلاع از او مفید است استماع نماید. تحقیقات اجتماعی و معاینات طبی و روانی صغیر طبق همان شرایطی که برای باز پرس مین گردیده است صورت میپذیرد

ماموریت اصلی قاضی واحد صفار این است که در موارد غیر مهمه تصمیم قطعی و سریع نسبت به صغیر متهم اتخاذ نماید و چنانچه از مطالعات و مشهودات او معلوم شود که نفع اجتماعی و نفع صغیر در این است که تصمیمی مهم تر از سپردن او بخانواده اش و یا شخص معتمد دیگر اتخاذ نماید قاضی واحد صفار فاقد صلاحیت است و باید دستور اعزام کودک را نزد باز پرس و یا محکمه اختصاصی صفار صادر نماید.

بطور کلی در اختیار قاضی واحد صفار است که بر حسب سنجش و قضاوتی که از امور مربوط به صغیر مینماید مانند محکمه حکم دهد و یا برای اقدامات خود صرفاً جنبه تحقیقات قائل شود.

تصمیمات قاضی صفار فقط از طرف صغیر غائب قابل اعتراض و از طرف دادستان و صغیر قابل پژوهش است بنابراین معنی علیه فاقد حق اعتراض و پژوهش میباشد. شکایت تصمیمات قاضی صفار و آثار آن تابع همان قواعدی است که در مورد شکایت از حکم محکمه اختصاصی صفار جاری است.

نگاهداری صغیر در طول مدتی که استنطاق باز پرس و یا تحقیقات قاضی واحد صفار ادامه دارد - قانون باز پرس را مجاز ساخته است که در صورت اقتضا

صغیر را از خانواده او بگیرد و بیک مؤسسه خیریه و یا سایر مؤسساتی که قانون پیش بینی کرده است بسپارد .

بازداشت صغیر از سن ۱۳ الی ۱۸ سال طبق قواعد حقوق عمومی عمل میاید و این بازداشت در صورتی انجام می پذیرد که ضرورت آنرا ایجاب کند و یا توان روی دیگری اتخاذ کرد . بازداشت صغیر ۱۳ ساله مشروط بر این است که مرتکب جنایت شود و علت آن در قرار باز پرس ذکر شود . صغیری که بازداشت میشود باید از سایر محبوسین جدا گردد .

نسبت بقرار بازداشت صغیر و یا سپردن او به شخص یا مؤسسه ای والدین صغیر تا درجه سوم و قیم و صغیر میتوانند به هیئت اتهامیه اعتراض نمایند .

مقررات فوق الذکر در مورد تحقیقات قاضی اختصاصی صغار هم جاری خواهند بود

مرحله تحقیقات قطعی

در امور خلافی ، تحقیقات مقدماتی در مورد صغیر و یا کبیر مجرم وجود ندارد اگر ارتکاب خلاف از طرف صغیر سهزده ساله مجرز شود قاضی صلاحیه میتواند اور سرزنش کند . نسبت به صغار از ۱۳ سال تا ۱۸ سال هر گونه مجازات مجرم کفنده از آزادی منع گردیده است و چنانچه ارتکاب خلاف از طرف چنین صغیری مسلم شود قاضی صلاحیه میتواند اورا سرزنش کند و یا به جریمه ای که قانون پیش بینی کرده محکوم نماید . در مورد احکام خلافی احکام مجازات صلاحیه قابل شکایت نمیباشد .

صلاحیت محکمه اختصاصی صغار - موارد صلاحیت محکمه اختصاصی صغار بشرح ذیل میباشند :

۱ - صلاحیت محکمه اختصاصی صغار بتمام صغاری که مرتکب جرم میشوند اطلاق میشود و حتی رسیدگی بجرائم ارتکابی کودکان سهزده ساله بر خلاف قوانین سابقه در صلاحیت آن میباشند .

۲ - اگر اشخاص کبیر در ارتکاب جرم از طرف صغیر ، شرکت داشته و حاضرند باشند نفی صلاحیت از محکمه اختصاصی صغار نمیشود در چنین مورد کلیه شرکا ، جرم ارتکابی نزد باز پرس فرستاده میشوند و باز پرس قرار تجزیه صادر مینماید در اینصورت

شرکاء کبیر به محاکم حقوق عمومی صلاحیتدار اعزام و صفار از طرف محکمه اختصاصی صفار احضار میگردند. این ابتکار بدیع مقررات جزائی ۱۹۴۵ از جهت وظیفه اجتماعی محکمه اختصاصی صفار است؛ مقنن بهتر دیده اصل وحدت محکمه را در بر واحد که جلو گیر از صدور دو حکم متناقض میکند فدای منافع عالیہ صغیر نماید و رسیدگی به جرم ارتكابی او را به محاکم عمومی که فاقد تخصص هستند محول نکند. طرز تشکیل محکمه اختصاصی صفار - باینکه حوزه صلاحیت محکمه اختصاصی صفار همان حوزه صلاحیت محکمه جنحه است طرز تشکیل آن متفاوت میباشد. محکمه اختصاصی صفار مرکب است از قاضی و احد صفار و دو معاون که از اشخاص خصوصی یعنی غیر مستخدم دولت انتخات میشوند. سن آنان باید بیش از سی سال و ملیت بر سر را داشته باشند و در ابراز علاقه نسبت بمسائل مربوط بصغیر معروف باشند. وزیر داد گستری آنها را برای مدت سه سال انتخاب میکند. آراء آنها مشورتی است؛ زنا هم مسکن است باین سمت انتخاب شوند.

برای رسیدگی بجنايات ارتكابی صفار ۱۶ تا ۱۸ سال، طرز تشکیل محکمه اختصاصی صفار متفاوت است. مقررات جزئی ۱۹۴۵ تضمینات مربوطه به صفار و شغس کبیر را با هم جمع نموده است باین منظور صغیر در مقر دیوان جنائی از طرف محکمه اختصاصی صفار محاکمه میشود و محکمه مرکب خواهد بود از رئیس محکمه اختصاصی صفار و دو معاون او بانضمام هیئت منصفه. اختیارات رئیس دیوان جنائی به رئیس محکمه اختصاصی صفار و اختیارات دیوان جنائی بسه عضو آن محول میگردد.

محاکمه صفار - محکمه اختصاصی صفار وقتی شروع برسیدگی مینماید که نسی صفار و باز پرس و هیئت اتهامیه تقاضای رسیدگی نمایند و باین نسبت بقرار مستنطق اعتراض شود. ابتکارات مقررات جزائی ۱۹۴۵ از قرار زیر است.

۱ - چون انتشار جریان محاکمه صغیر و عکس برداری از او ممنوع است جریده گذاران نمیتوانند در محاکمه حضور بهر رسانند.

۲ - پس از استماع اظهارات صغیر و شهود به صغیر اخطار میشود از محکمه خارج شود و اگر نفع صغیر در عدم حضور باشد او را احضار نمیکند ولی وکیل مدافع

ووالدین یا قیم او حضور بهم میرسانند در این صورت تصمیمی که اتخاذ میشود حضوری خواهد بود.

تصمیم محکمه اختصاصی صفار ممکن است بتأخیر افتد و صغیر برای مدتی با استفاده از آزادی توأم با مواظبت به وقع آزمایش گذارده شود. اقدامات و فعالیت‌های نمایندگان که آزادی صغیر را تحت مراقبت خود قرار میدهند از طرف نمایندگان حرفه بادائم نظارت خواهد شد.

رأی محکمه و موضوع و آثار آن

موضوع حکم - طبق قانون ۱۹۱۲ محور اساسی سیستم حقوق جزای فرانسه تشخیص قوه تمیز صغیر گناهکار بود. در محکمه که صغیر حضور بهم میرسانند اعم از دیوان جنائی و یا محکمه جنحه خواه تنها بود یا باشریک کبیر، قوه ممیزه او مطرح میگردد. در دیوان جنائی رئیس از هیئت منصفه وجود قوه ممیزه صغیر را مورد سؤال قرار میداد. در محکمه جنحه دلائل مندرجه در حکم مربوط به صغیر طوری تنقیح میگردد که مجرز شود رسیدگی با قوه ممیزه صغیر طرف توجه محکمه بوده است.

نتایج جواب مربوط به قوه ممیزه صغیر از قرار ذیل میبود:

- ۱ - اگر مسلم میگردد که کودک مجرم غیر ممیز بوده است تبرئه میگردد ولی محکمه مکلف بود یکی از تدابیر تربیتی را از قبیل سپردن کودک بوالدین و یا شخص دیگر و یا مؤسسات خیریه و یا بالاخره بنگاههای تربیتی و حرفه‌ای اتخاذ نماید.
- ۲ - در صورت مجرز شدن قوه ممیزه صغیر، برای او مجازات تعیین میگردد و میزان آن وابسته بسن صغیر بود. صغیر از ۱۳ تا ۱۶ سال از کیفیت مخففه مربوط به صغیر سن برخوردار میشد ولی صغیر از ۱۶ تا ۱۸ سال مانند مجرم کبیر در معرض مجازات قرار میگرفت. قوانین سایر کشورها نسبت به صغیر بیشتر روی اغماض نشان داده و صغیر ۱۸ ساله را هم از تخفیف مجازات بهره‌مند ساخته‌اند. بعضی از کشورها مانند سوئیس تا سن ۲۰ و یوگوسلاوی تا سن ۲۱، صغیر را از مزیت تخفیف برخوردار مینمایند. در انگلیس طبق قانون ۱۹۳۵ مربوط به صفار و خردسالان (۱) محاکم عمومی میتوانند

نسبت به صغار ۱۷ تا ۲۱ سال بجای مجازات یکی از تدابیر تربیتی را اتخاذ نمایند. در سوئد قوانین ۱۹۳۵ و ۱۹۳۷ برای صغار ۱۸ الی ۲۱ سال که مرتکب جرم میشوند و مستوجب اعمال شاقه و با حبس هستند يك رژيم مجازاتی آمیخته با تدابیر تربیتی اندیشیده است و آن عبارت است از بازداشت در مدرسه‌ای که جنبه مجبسی هم دارد اختیار محکمه در تبدیل مجازات به تدابیر تربیتی منتهی باین میشود که از بازداشت‌شدگان در امور زراعتی برای مدت يك الی چهار سال استفاده کنند. روی همین فکر در آلمان قانون مورخ ۱۹۴۰ مربوط به «مقررات تکمیلی قانون جزای صغار» (۱). دامنه توسل با اقدامات تربیتی را توسعه داده است. طبق این قانون محکمه مجاز است نسبت به صغار بجای حبس و بازداشت صغیر (۲) تعیین کند، برعکس قانون ۱۹۳۹ مربوط به «مقررات برای جلوگیری از جرائم مهمه صغار» (۳) محکمه را مجاز ساخته است که در موارد استثنائی رویه سخت‌تری اتخاذ نماید. چنانچه عمل اسنادی بصغیر ۱۶ تا ۱۸ سال مبین فساد خاصی باشد و رشد فکری او قبل از موعد طبیعی نضج گرفته باشد محاکم عمومی میتوانند برای چنین صغیر مجازات مربوط به اشخاص کبیر را معین کنند. در اتحاد جماهیر شوروی برای جوانان و لگردد که مرتکب جرائم سبک میشوند بنگاه‌های تربیتی پیش‌بینی شده است.

مفهوم قوه ممیزه و علل اصلاحاتی که در این موضوع بعمل آمده است قوه ممیزه تاب دو تفسیر را دارد بعضی از علمای حقوق جزا قوه ممیزه صغیر مرتکب جرم را عبارت از معرفت او در نقض قانون جزا و بالنتیجه شعور او بر نا مشروعیت عمل ارتكابی خویش میدانند. در اینصورت اصطلاح «قوه ممیزه» مترادف بانیت‌سوء می‌باشد. اگر قوه ممیزه بدین مفهوم تفسیر شود غالب کودکان از ۱۳ تا ۱۸ سال واجد چنین قوه بینش می‌باشند. برعکس بعضی از علمای حقوق جزا قوه ممیزه را عبارت از وسعت قوای صغیر تا حدی که فساد اخلاقی و تباهی عمل ارتكابی خود را درک کند میدانند. اگر قوه ممیزه اینطور تفسیر شود خیلی بندرت ممکنست خردسالانی که دست تقدیر تربیت ناشایسته نصیب آنان کرده و در محیط فاسدی آنانرا پرورانده است از

1 - Verordnung zur Ergänzung des jugendsstrafrechts.

2 - Jugendarrest.

3 - Verordnung zum Schutz gegen juenliche Schwerverbreche

آن بهره‌مند باشند زیرا همانطور که کار و اظهار نظر کرده و برای تشخیص خوبی از بدی و استدرک زندگانی با شرافت از زندگانی سیاه و ننگین، انسان باید حائز قوه مقایسه باشد. اشکالاتی که نفوذ بر قوای روانی خردسالان در بردارد موجب شده از رسیدگی به قوه ممیزه صرف نظر نمایند و بجای آن يك روش مستقل عملی اختیار نمایند و بهمین منظور مدتهای مدیدی قضاة و هیئت منصفه خود را از قید رسیدگی قوه ممیزه صغیر مستخلص ساخته و بدل وقت میگردند که در هر مورد تشخیص دهند از بین مجازات و تدابیر تربیتی کدام برای صغیری که اتهام او تحت رسیدگی است رجحان دارد. و چون در عصر حاضر عقیده غیر موجه عمومی علیه تحمیل مجازات بر خردسالان میباشد، محاکم در غالب موارد برای اینکه بتوانند آنانرا از مجازات معاف نمایند در آراء صادره، قوه تمیز صغار را نفی میگردند و چون رسیدگی به قوه ممیزه صغیر بدین نحو متروک ماند مقررات جزائی جدید مبنی بر فرض عدم مسؤلیت جزائی صغیر وضع گردید.

تبدیل قوه تمیز به فرض قانونی عدم مسؤلیت جزائی - طبق مقررات جزائی ۱۹۴۵ از لحاظ نفی مسؤلیت، مجازات صغار ۱۳ ساله لغو گردیده است و فرض قانونی عدم مسؤلیت جزائی آنان مطلق و غیر قابل خدشه است. نسبت باین زمره از صغار فقط باید تدابیر تربیتی اتخاذ شود و تدابیر تربیتی بشرح ذیل است:

- ۱ - تسلیم صغیر بوالدین و یا قیم و یا شخص محافظ او یا بالاخره به شخصی که قابل اعتماد باشد.

۲ - تسلیم صغیر به يك مؤسسه خیریه مجاز.

۳ - گذاردن صغیر در يك مؤسسه شبانه روزی مناسب.

۴ - تسلیم صغیر به مؤسسه تعاون عمومی.

۵ - گذاردن صغیر در یکی از مؤسسات تربیتی و حرفه.

تدابیر مندرجه در فقره (۱) را قاضی و احداختصاصی معین میکنند و بقیه تدابیر فوق الذکر در صلاحیت محکمه اختصاصی صغار میباشد.

کلیه تدابیر تربیتی ممکن است با آزادی توأم با مراقبت مقرون باشد.